

نگاهی به مفهوم گورو در عرفان هندویی از منظر شنکره^۱

مریم باقرزاده^۲

دانشجوی دکتری ادیان و عرفان، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

فاطمه لاجوردی^۳

استادیار گروه ادیان و عرفان، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

ابوالفضل محمودی^۴

دانشیار گروه ادیان و عرفان، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده

گورو در عرفان هندویی استاد و اصلی است که مراتب معنوی را پشت سر گذاشته، وادی‌های پر پیچ و خم آن را درنور دیده و به بالاترین مرتبه بینش معنوی یعنی مکشه نائل شده است. در طریقه‌های رهبانی هندویی، گورو تجسد خداوند، سنت، تعالیم طریقت و واسطه فیض الهی است که به سنت جان می‌بخشد، منشأ و بستر حیات نوین معنوی، کانون تقدس و رابط سالک با قوای متعالی تر است. بر همین اساس نقش وی در تعلیم و تربیت مرید واجب، و از آداب سلوک به شمار می‌آید و می‌تواند هدایت و ارشاد کسی را که قصد پیمودن این مسیر را دارد، بر عهده بگیرد، او را از عقبات سخت سلوک گذر دهد و تا رسیدن به سر منزل مقصود دلیل راه وی باشد. وی شایسته تکریم و احترام است و اطاعت محض از دستورات او، هر چند خلاف عرف باشد، برای رسیدن به مقصود نهایی ضروری به شمار می‌آید. از این روست که برای تبیین جریان سلوک عرفانی در این سنت، بررسی نقش گورو از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در این نوشتار مفهوم گورو و حوزه شناختی و معنایی آن بر اساس متون مقدس و منابع ادبی و عرفانی هندویی بخصوص در نگاه شنکره و آثار او بررسی شده است.

کلیدواژه‌ها

گورو، عرفان هندویی، شنکره، مرید، طریقت، سیر و سلوک.

۱. تاریخ دریافت: ۹۷/۱۱/۷ تاریخ پذیرش: ۹۸/۳/۸

۲. پست الکترونیک: m_bagherzadeh86@yahoo.com

۳. پست الکترونیک (مسئول مکاتبات): flajevardi@srbiau.ac.ir

۴. پست الکترونیک: amahmoodi5364@gmail.com

مقدمه

اغلب سنت‌های عرفانی ساختار ویژه‌ای برای پیمودن مسیر سیر و سلوک عرفانی دارند که اگر چه هستهٔ اصلی این سنت‌ها مشابه است و برای طی کردن این مسیر قواعدی معین در آن‌ها وجود دارد اما موارد افتراق آن‌ها نیز اندک نیست. در این‌گونه سنت‌ها، باورها و اعمال معمولاً از طریق انتساب به مرشد یا مرشد مرشد اعتبار می‌یابند. این زنجیرهٔ مسلسل مرشدان که در عرفان هندویی به آن گورو می‌گویند معمولاً تا بنیان‌گذار آن طریقهٔ عرفانی ادامه می‌یابد. یکی از اصول این سنت‌ها آن است که به ضروری بودن مربی معنوی و نقش محوری وی در وادی پر پیچ و خم سلوک عرفانی اصرار ورزیده‌اند.

روح موجود در هر طریقهٔ عرفانی اساساً رنگ و بوی همان سنت دینی را دارد و با آنچه در سنتی دیگر به عنوان عرفان شناخته می‌شود، تفاوت‌های زبانی، مفهومی، اصطلاحی، و در مواردی محتوایی و گاه مبنایی دارد. این طریقه‌ها ساختار اجتماعی ویژه‌ای را شکل داده‌اند که می‌توان آن را تحت عنوان کلی طریقه‌های رهبانی توصیف و تبیین کرد. گورو در سنت هندویی قلمرو شمول گسترده‌ای دارد، چنان‌که افزون بر نقش معنوی وی در مسیر سلوک، این واژه برای استادان کار آزمودهٔ دیگر حوزه‌ها هم‌چون موسیقی، رقص، و حتی تجارت نیز به کار می‌رود و به آن‌ها نیز گورو می‌گویند. در میان آثار هند شناسان و محققان مطالعات هندویی در بارهٔ جایگاه گورو در نگاه و آثار شنکره تنها می‌توان به بخش‌هایی از کتاب ویلیام سنکندر با عنوان *سنت معلمان، شنکره و معلمان با تجربهٔ معاصر*^۱ که به زبان انگلیسی به چاپ رسیده است، اشاره کرد. اما در آثار هندشناسان فارسی‌زبان اثری با این موضوع یافت نمی‌شود.

از آن‌جا که در عرفان هندویی نقش گورو در تعلیم و تربیت مرید واجب و به تصدیق عرفای آن، از آداب سلوک به شمار می‌آید، بنابراین به نظر می‌رسد که برای تبیین جریان سلوک عرفانی بررسی جایگاه گورو ضروری باشد. بر همین اساس بعد از بیان واژه‌شناسی و تعریف گورو، به شنکره در رأس رهبانیت هندویی و مرجعیت الهی و معنوی گورو اشاره کردیم. دیدگاه‌های او در خصوص جایگاه، ضرورت، صفات و ویژگی‌های گورو، آداب و

1. Cenkner, William, *A Tradition of Teachers: Śankara and Jagadgurus Today*, Delhi: Motilal Banarsidas, 1983.

شرایط مرید و آیین تشریف را توضیح دادیم و دست آخر به تحولات کارکرد گوروها در دوران متأخر و این که طریقه‌ها تعالیم شنکره را احیاء کردند، نگاهی انداختیم.

واژه‌شناسی و تعریف گورو

گورو^۱، در زبان سنسکریت برای بیان مفهوم معلم و استاد به کار برده می‌شود. این واژه در سیاق ودهی آن، صفتی به معنی سنگین، وزین، مهم، با نفوذ، سنجیده، پربر، محترم، بزرگ، و مسئول است.^۲ بنابر تفسیر متون مقدس هندویی به معنای راهنما و مربی معنوی در طریقت است. واژه گورو مرکب از دو جزء **gu** و **ru** می‌باشد که **gu** به معنای تاریکی جهل و **ru** به معنی دورکردن است^۳ و در کنار هم، به معنای کسی است که شاگردان را از ظلمت و جهل به سوی روشنایی می‌کشانند و تاریکی‌های جهل را از وجود مرید تازه وارد می‌زداید.^۴ هم‌چنین گفته‌اند که گورو به معنی کسی است که مدعی آگاهی به معرفت و دانش خاص مفهوم زندگی است و احساس می‌کند که قادر و ماذون است که آن را به دیگران نیز منتقل کند.^۵ اما این اصطلاح بیش از همه در حوزه فلسفه و دین، و در میان دین‌پژوهان و دین‌داران متداول است.^۶ بن‌مایه‌ها و پیشینه مفهوم گورو به دوره ودهی باز می‌گردد و در وده‌ها^۷ است که برای اولین بار این مفهوم به چشم می‌خورد. در فلسفه و ادبیات ودهی گورو خداوند است و به منزله هر یک از خدایان سه گانه هندویی تلقی می‌شود. در وده‌ها و اوپنیشدها^۸ معادل‌های دیگری برای واژه گورو نظیر انسان حکیم،

1. Guru \g ù r-ü \

2. Bowker, John, "Guru", *Oxford Concise Dictionary of World Religion*, Oxford, 2005, p.222; Dasgupta, Surendranath, *A History of Indian Philosophy*, Cambridge, 1922, vol.2, p.357; Patel, Deven, M., "Guru", *Encyclopedia of Hinduism*, Denise Cush & et. al. (eds), London, 2008, p.280; "Guru", *Historical Dictionary of Hinduism*, Jeffery, D. Long, Toronto, 2011, p.130; Johnson, W. J., A "Guru", *Dictionary of Hinduism*, Oxford, 2010, p.135.

3. "Guru", *Encyclopedia of World Religions, Encyclopedia of Hinduism*, Jones, A, Constance, & et.al.(eds), New York, 2008, p.173; "Guru", *The Brill Dictionary of Religion*, Kocku Von Stuckrad (ed.), Boston, 2006, vol.2, p.825.

4. Kantikara, V. P., *Hinduism*, London, 1995, p.7.

5. Storr, Anthony, *Feet of Clay: A Study of Guru*, New York, 1997, p.11.

6. Geaves, Ron, "Guru", *Key Words in Hinduism*, London, 2006, p.31.

7. *Vedas*

8. *Upanishads*

دانشمند، ریشی، برهمن، غیب‌بین، مردان محترم، انسان کامل، معلم معنوی یافت می‌شود.^۱ گاه واژهٔ گورو خطاب به هر شخص بزرگسال مرد یا زن درخور احترام به کار می‌رود.^۲ مه‌بهارته از پنج گوروی خاص این‌گونه یاد می‌کند: مادر، پدر، معلم، آتش مقدس و آتمن یا خود ثابت فرد،^۳ که سه تای اولی به عنوان گوروی برتر دانسته می‌شوند.^۴ داسگوپتا نیز به گونه‌ای دیگر خدایان، گاو، براهمنان، گوروها، سالخورده‌گان، قدیسان، و معلمان یا استادان را مقدس می‌داند که انسان باید حرمت آن‌ها را نگه دارد.^۵ در اوپنیشدها گورو کسی است که به بالاترین مرتبهٔ بینش معنوی یعنی مکشه^۶ نائل شده^۷ و سنسکاره‌ها^۸ را از سر گذرانده باشد. در پورانها^۹ و متون حماسی هندویی و در ادبیات منو سمریتی نیز اصطلاح گورو و معادل‌های آن زیاد به چشم می‌خورد و به معنای کسی است که به وده‌ها و آیین‌های آن از سر صداقت آگاهی دارد و آن را در جانب خدایان، پادشاه، پدر، مادر یا برخی حیوانات مقدس به کار می‌برد.^{۱۰} هر طبقهٔ اجتماعی گوروی خاص خویش را داشت که می‌توانست برهمن یا شودره باشد. اما همهٔ گوروها مرجعیت همسانی ندارند و گوروهای پائین‌تر از گوروهای مرتبهٔ بالاتر مقام و قدرت و عزل و نصب خویش را

1. Maharaj, Rabindranath R. & et. al., *Death of a Guru*, Eugene, Oregon, 1999, p.202.

2. Bhattacharyya, Narendra Nath, "Guru", *A Glossary of Indian Religious Terms and Concepts*, New Delhi, 1977, p.66.

3. *The Mahabharata of Krishna-Dwaipayana Vyasa*, Kisari Mohan Ganguri (Trans.), Delhi, 2002, vol.I, pp.441-443; Patel, Deven M, "Guru", *Encyclopedia of Hinduism*, Denish Cush & et. al (eds), London, 2008, p.280.

4. "The Laws of Manu", George Bühler (Trans.), *The Sacred Books of The East*, Max Muller(ed.), New Delhi, 1886, vol. 25,ii.166, p.61 .

5. Dasgupta, Surondranat, *A History of Indian Philosophy*, Cambridge, 1922, vol.2, p.420.

6. Mokṣa

7. Cornille, Catherine, "Guru", *Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade(ed.), New York, 1986, vol.6, p.148.

۸. Saṃskāra به مجموعه‌ای از آیین‌ها و مناسک مقدماتی (نظیر آیین تشرف، آیین ازدواج و ...) گفته می‌شود که هر هندو باید پشت سر بگذارد تعداد این آیین‌ها در منابع گوناگون مختلف است در برخی منابع ۴۰ و در برخی دیگر ۱۲ یا ۱۶ آیین ذکر شده است .

9. *Purānas*

10. "The Laws of Manu", II, 141 – 142, 149. XI, I. V, 82.

می‌گیرند.^۱ البته گوروهای برهمن اغلب دعوی گورو بودن بر همه طبقات را داشتند، و به شوره‌ها به دیده مزاحم نگاه می‌کردند، اما گوروهایی که به طبقه شوره تعلق داشتند نیز از جایگاه والایی در طبقه خود برخوردار بودند.^۲ از دیرباز در زمان‌های مختلف و در میان فرقه‌های مختلف هندو معادل‌های سنسکریت دیگری نیز برای مفهوم گورو به کار می‌رفته است، از جمله واژه آچاریه به معنی استاد که کاربرد آن در سده ۸ میلادی رایج بوده است. شنکره حکیم و فیلسوف هندی با بنا نهادن ۴ یا ۵ صومعه در چند نقطه از هند رهبرانی را به نام آچاریه برای اداره امور آن‌ها منصوب کرد. ناگفته نماند که واژه آچاریه در دوره‌های بعدی بیشتر برای استادان دیگر حوزه‌های علمی به کار رفت. افزون بر این، عناوینی چون اُپادهیایه^۳، برهمه چریه، سنیا سین به معنی زاهد، سادهو (به معنی انسان نیک و پارسا) و جگدگورو (به معنی معلم با تجربه) برای گورو به کار می‌رفتند. البته نویسندگان قدیمی‌تر میان آن‌ها فرقه‌هایی قائل شده‌اند.^۴ راهبان هندو با نام‌های دیگری خوانده می‌شوند که عبارت‌اند از: یتین، کسی که شهوت خود را مهار می‌کند و دنیا را ترک می‌گوید؛ ورتین، مجذوبی که پیمان ترک و تجرد می‌بندد؛ یوگین یا یوگی کسی که از طریق مهار نفس به دنبال وحدت با خدای خویش است.^۵ در دوره‌های متأخر گاهی تحت تأثیر عرفان اسلامی و زبان فارسی زاهدان هندو فقیر نیز خوانده شده‌اند.^۶

ترکیبات فراوانی مرتبط با واژه گورو از همان سده‌های اولیه در متون عرفانی هندویی به چشم می‌خورد، هم‌چون گورو - شیسیه پرمپرا^۷، گورو - پورنیمما^۸، گورو - پستی^۹، گورو - شکتی^{۱۰} و... یا از آن ترکیب وصفی بدین صورت ساخته‌اند: مها - گورو به معنی استاد

1. "Guru", *The Hindus Encyclopedia of Hinduism*, Ibid.

2. Dubois, Abbe. J. A, Ibid.

۳. Upādhyāya دومین مرتبه از سلسله مراتب سه گانه راهبان صومعه در دین جینی که وظیفه او آموزش راهبان تازه وارد است.

4. Bhattacharyya, Narendra Nath, Ibid.

5. Geden, A. S, "Monasticism Hindu", *Encyclopedia of Religion and Ethics*, James Hastings (ed.), New York, 1916, vol.8, p.803.

6. Idem, "Asceticism Hindu", *Encyclopedia of Religion and Ethics*, James Hastings (ed.), New York, 1910, vol.2, p.90.

7. Guru -śiṣya paramparā

8. Guru-purnimā

9. Guru -passatti

10. Guru -śakti

بزرگ که گاه پدران، مادران و پادشاهان را به آن لقب می‌خواندند.^۱ البته در سنت هندو گسترهٔ قلمرو ترکیب‌های پر ساختهٔ ناظر به حرمت گورو به پای ترکیب‌های پیر در تصوف اسلامی نمی‌رسد و تنها همین اصطلاح مها - گورو^۲ را، آن هم برای گورویی که بالاترین منصب را در جرگهٔ گوروها داشته باشد، به کار می‌برند.

گورو در آیین هندو با امر الوهی گره خورده است. در فرقه‌های مختلف گورو را تجسم و تجلی جسمانی خدواند می‌دانند. اغلب سنت‌های عرفانی هندویی در این موضوع اتفاق نظر دارند که تعالی معنوی و رهایی از گردونهٔ ناخوشایند تولد و باززایی بدون وجود مربی و راهنمایی‌های وی امکان ندارد. سالک طریق سلوک باید از ۱۲ تا ۲۴ سالگی به مدت ۱۲ سال در منزل گوروی خویش به سر برد و به خدمت مشغول باشد. البته در برخی طریقه‌ها مدت آن بیشتر است. گورو، افزون بر تعلیم و تربیت شاگرد وده‌ها و حقایق آن‌ها را به او تعلیم می‌دهد.^۳

شنکره اوج رهبانیت هندویی

در سنت هندویی، شنکره (۷۸۸-۸۲۰م) فیلسوف سرشناس مکتب ادویته ودانته نخستین سازمان‌دهندهٔ رهبانیت به شمار می‌آید و اولین جماعت‌های گورو - مرید به حلقهٔ مریدان او باز می‌گردد که به سبب «زهد افراطی‌شان» مشهور بودند. شنکره ۵ صومعهٔ بزرگ و باشکوه، نزدیک معابد مشهور یا اماکن مقدس شهرهای بدرینات و کانچی در شمال، سرینگری در جنوب، پوری در شرق، و دورگه در غرب به مرکزیت سرینگری را تأسیس کرد و برای هرکدام از آن‌ها یکی از مریدان خود را به عنوان رهبر تحت عنوان جگدگورو (به معنی معلم با تجربه یا معلم دنیوی) یا آچاریه برای شروع سلسله کشیشان مذهبی منصوب کرد تا طریقت وی را اشاعه دهند. افزون بر این گفته می‌شود شنکره طریقهٔ دشنامی (ده نام)، مشهورترین طریقهٔ رهبانی هندویی یا انشعاب‌های ثانوی سنیاسین را نیز بنا نهاده است. مریدان وی شاخه‌های دیگر دیرهای سنیاسی را سراسر هند ایجاد کرده‌اند که یکی از

1. Dubois, Abbe J. A, pp.125-126.

۲. Mahā guru مها پیشوند سنسکریت، به معنی بزرگ.

3. Chāndogya Upanishad, 6.1.2.

بزرگ‌ترین و پرنفوذترین جماعت‌های رهبانی در هند بودند. نخستین حامیان صومعه‌های شنکره حاکمان محلی بودند که رهبران این دیرها را در حکم گورو و راهنمای معنوی خویش می‌دانستند.^۱ شنکره با تأسیس صومعه‌ها و طریقه‌ها رابطه گورو - مرید را که از اصول محوری صومعه‌ها بود، تثبیت کرد و تداوم بخشید. او با تأسیس مته‌ها که به لحاظ محدوده جغرافیایی در سراسر هند گسترده بودند و با سازمان دادن به ده طریقه دینی زاهدانه، به سنت اعتبار و حیثیت بخشید. این در هند بدعت تلقی نمی‌شد زیرا تا زمان شنکره، بودایی‌ها و جینه‌ها سنت روشنفکری را حدود هزار سال پیش در بطن کانون‌های روشن‌فکری خویش بنا نهاده بودند.^۲ شنکره رسم مشابهی درون سنت ودانته با درجه مشابه مته‌ها که در آیین هندو تا سده ده میلادی گسترده شده بودند، به وجود آورد. مراکزی را که شنکره بنا نهاده بود تا قبل از آن در هند سابقه نداشت و یا محدود بود. البته ناگفته نماند فرق مهمی میان مته‌های شنکره و زاویه‌های اولیه و آشرمه‌ها در طول دوره وده‌ها و حماسی وجود دارد؛ به عبارت دیگر شنکره که معلم معنوی - سنیا سین بود مته‌ها را تا حدودی به روش پادشاهی رهبری می‌کرد. شنکره برای مته‌ها اصول و آدابی مقرر کرده بود که برای مریدان ضروری و مجبور به رعایت آن‌ها بودند. بنابراین می‌توان، گفت شنکره با آداب و اصول مهم و سازمان‌دهی بیشتر به جایگاه گورو در آیین هندو آبرو و اعتبار بخشید.^۳

مهم‌ترین جماعت دیرها در سنت رهبانی هندویی گرد شنکره یکی از تأثیرگذارترین عارفان ودانته شکل گرفت. پیشینه دینی او به شیواپرستی باز می‌گردد، در واقع او سر سلسله مکتب ادویته ودانته است که غالب مکتب‌های ودانته به نوعی با او اتصال دارند. او که از پدر و مادری پارسا و فرهیخته و از طبقه برهمنان تولد یافت پس از تشریف به دین شیوایی طریق زهد و ریاضت برگزید و در حکمت و اندیشه‌های نظری و اخلاق و معارف عملی تنها مرجعیت کتاب مقدس را پذیرفت. او شاگردانی تربیت کرد که به واسطه آن‌ها

1. Cornile, Catherine, p.149; Miller, David, "The Guru as the Centre of Sacredness", *Studies in Religion/ Sciences Religieuses*, no.5, Canada, 1977, p.531.

2. Cenker, William, *A Tradition of Teachers: Śankara and Jagadgurus Today*, Delhi, 1983, p.39.

3. Cenker, William, pp.35- 40.

مکتب ادویته ودانته بسط یافت و متعاقب آن دو مکتب در میان پیروان او پیدا شد، مکتب ویورنه که مطابق با پنجه پادیکا بنا نهاده شده است و نویسندهٔ آن پدمه‌پاده است و دیگری مکتب به نسبت متأخر بهامتی که واچسپتی آن را مطرح کرد. در باب کرامات شنکره بسیار سخن رفته است، حتی برخی او را فرزند شیوا دانسته و گفته‌اند به فیض و برکت شیوا بود که شنکره از آغاز کودکی به تمام علوم نظری و معارف باطنی آشنایی کامل یافت. اسطوره‌ها حکایت از آن دارد که شنکره از کودکی به زاهد شدن گرایش داشت و با پدر به مجالس سنیا سین‌ها و سادوها می‌رفت. در دوران جوانی‌اش زهد و دریوزه را انتخاب کرد. زندگی دور از خانواده در خانهٔ استاد و گوروی خود گویینده به نوعی او را برای تعلیم دادن در لباس معلمی دوره‌گرد توانمند ساخت. مکتب ادویته ودانته به رهبری او به گونه‌ای وحدت مطلق در هستی یا در اصطلاح کولاد وایته، یا غیر ثنوی مطلق باور داشت.^۱

فعالیت‌های شنکره برای تأسیس جماعت‌های ثابت رهبانی و متعاقب آن ترک سنت آوارگی چنان وسیع و پردامنه بود که برخی منابع وی را مؤسس طریقهٔ رهبانی هندویی و البته مشهورترین آن‌ها یعنی طریقهٔ دشنامی می‌دانند و با تأسیس صومعه‌هایی که پیش‌تر بدان اشاره شد گونه‌ای از سنت دیرنشینی را در رهبانیت برهمنی به وجود آورد. در آثار خود تمامی واژه‌های گورو، معلم، سنیا سین، برهمه چریه، ریشی، غیب بین یا عارف، حکیم، معلم واجد صلاحیت، راهب و انسان متقی را به معنی گورو و معلم معنوی به کار برده است. او با بنا کردن صومعه‌ها برای ساکنان آن آداب و اصولی مقرر کرده بود.

شنکره بنیان‌گذار نظام فکری ادویته ودانته مرید و شاگرد گویینده بود که خود گویینده شاگرد گاوده‌پاده بود و گاوده‌پاده از آثار مهاییانه بخصوص ناگارجونه و رسالهٔ لَنکاوَتاره سوتره^۲ متأثر بود. البته آن‌گونه که از شواهد برمی‌آید نخستین بار پدر شنکره در پنج سالگی وی را به شیوهٔ گورو پس از برگزاری مراسم اوپه نیته، آیین تشریف به طبقهٔ برهن، او را به مطالعهٔ وده‌ها وادار کرد و مطابق رسم آموزش برهمنی دو سال تمام در منزل استاد خود وده‌ها را یاد گرفت و بنا به قولی بر شش درشنه یا مکاتب آستیکه هندو نیز

۱. محمودی، ابوالفضل، صص ۹۳-۱۰۰؛ شایگان، داریوش، ج ۲، صص ۷۸۰-۷۸۳؛ راداکریشنان، سروپالی، تاریخ

فلسفه شرق، ترجمهٔ خسرو جهانداری، تهران، ۱۳۸۲ش، ج ۱، صص ۲۷۷-۲۷۹؛

Cornill, Catherine, p.149.

2. *Lankāvatāra Sūtra*

تسلط یافت و هشت ساله بود که به خانه برگشت. در تبعیت از سنت برهمنی و شریعت بی‌قید و شرط آن اصراری تمام داشت و به مذهب شیوایی پایبند بود، احتمال می‌رود در میان نسل دوم شاگردانش بود که به عنوان تجسم شیوا (یکی از خدایان مهم تثلیث هندویی) مشهور شد. بعدها این اندیشه در میان هندوان نیز اشاعه و بسط یافت که شنکره تجسد خداوند است. بر اساس این عقیده که در اغلب پورانه‌های متأخر مطرح شده است، وی تجسم الهی است که برای از بین بردن بدعت و احیای سنت و ایمان وده‌بی که به مدلول نوع‌آوری‌های عملی و عقیدتی دستخوش زوال گشته، آمده است. باور به این مفهوم که شخص تجسم الهی و احیاگر راستی و درستی باشد در سنت هندو سابقه‌ای دراز دارد. نسل اول شاگردان و مریدان بی‌واسطه شنکره به او لقب «بهگوت» و یا «بهگوت‌اپاده»^۱ که اغلب به خدایان وده‌بی اطلاق می‌شد را می‌دادند.^۲ در مورد مریدان شنکره آن‌گونه که در زندگی‌نامه وی آمده است اغلب جاذبه روحانی و تأثیر کلام وی، در مجالس مناظره و مباحثه که در آن روزگار مرسوم بود سبب گرایش و جذب ناگهانی افراد به وی می‌شد. نمونه‌ای از این مجالس بنابر اقوال سنتی چنین است در جریان مسافرتی با کوماریله دانشمند مشهور و شاگرد وی مننده می‌شده مفسر برجسته مکتب میامسا ملاقات کرد مباحثه وی با مننده در این سفر موجب شد او به جرگه مریدان وی بپیوندد و به عنوان سُورشوره آچاربه شهرت یابد. شنکره شاگردان زیادی تربیت کرد اما چهار نفر آن‌ها از مریدان مقرب و خاص او بودند که استاد آن‌ها را پذیرفته بود و در دل خود جای داده بود و یا آن‌ها خود را در دل استاد جای داده بودند، پدمپاده، سورشوره، هستاملکه و تُتکه (آنده‌گیری) که دوتای اولی از مفسران ممتاز شنکره و نویسندگان برجسته‌ای در جایگاه خود بودند. ظهور شنکره در اواخر سده هشتم پیدا شدن ناگهانی یک نابغه نیست بلکه سلسله نسب استادان ممتازی را مفروض می‌دارد. در نظر او، استاد معنوی عالم (پاندیته) شخصیت روحانی است که سلسله معنوی مشخصی دارد. البته مشخص کردن سلسله نسب خاص به لحاظ تاریخی کار آسانی نیست. او معلم را با ماه مقایسه می‌کند که «داوطلبانه

1. Bhagavat Apada

۲. محمودی، ابوالفضل، مشرق در دو افق مقدمه‌ای بر مطالعه مقایسه‌ای عرفان اسلامی و هندویی، قم، ۱۳۹۲ش، صص ۹۶-۹۷.

زمینی را که با اشعه‌های سوزان خورشید خشک شده است نجات می‌دهد^۱ گنجینه‌ای از لطف است که از سر رحمت تعداد زیادی را آموزش و تعلیم می‌دهد؛ هم‌چون بهار بی آن‌که به چشم آید به دیگران خیر و لطف می‌رساند. استاد معنوی نه تنها به لحاظ اخلاقی خوب بلکه شخص ممتاز، دوست داشتنی و حکیم است.^۲ شنکره خودش به شدت به معلمان و گوروهای گذشته وابسته بود. کوشش‌هایی برای ثبت سلسله نسب و خلفای شنکره صورت گرفته است. یکی از نخستین نمونه از شجره نامه‌ها تعداد آچاریه‌ها از کیپله تا شنکره را چهل‌وشش نفر می‌شمارد. میان گاوده‌پاده و گووینده معلم شنکره ردپای چهار نفر را می‌توان دید. شجره نامه دیگری زنجیرهٔ معلمان ادوایته از مؤلف برهمه سوتره تا شنکره را دوازده نفر ذکر می‌کند. حتی در این شجره‌نامه‌ها بحث شده‌است که گاوده‌پاده در واقع استاد گووینده و گووینده گورو و معلم شنکره بود.^۳ بدین ترتیب می‌توان گفت که سلسله نسب برای حکیمان هندویی نیز مطرح و البته مهم بوده است.

شنکره نه فیلسوف نظری بود و نه معلم خصوصی بلکه گوروی واقعی بود که مفهوم راهنما و مربی را تجسم بخشیده است. افسانه‌های پیرامون وی در باب تجسم شیوا بودن وی سخن گفته‌اند. او معلم آرمانی بود که حتی بعد از رهایی شاگردان خود به تعلیم آن‌ها ادامه می‌داد. تمام زندگی این گورو وقف تربیت و پرورش شاگردان شده بود. او در مقام استاد معنوی چهار تا پنج سال زندگی بالنسبه کوتاه خود را به نوشتن آثار و تفاسیر متون مقدس مشغول بود و مابقی آن دوران را که حدود پانزده سال طول کشید به تأسیس کانون‌های مذهبی و تعلیم دادن شفاهی در لباس زاهدی دوره‌گرد پرداخت. افسانهٔ ویژه‌ای به تمایل او برای آموزش دادن تأکید کرده است. هنگام مسافرت به کوه‌های هیمالیا با ویاسه و گوده‌پاده که هر دو به طور عمیق غرق در سمادهی بودند، مواجه شد. آن‌ها را از جذبۀ ایشان با ضرورت رفتن به جلو و آموزش دادن با سرودی که برای دکشینامورتی سرود، آگاه کرد و آن سرود چنین است: «برای دکشینامورتی تعظیم می‌کنم... برای او تعظیم می‌کنم که به حکیمان شناخت بی‌واسطهٔ حقیقت غایی را بخشیده است، برای معلم سه جهان تعظیم

1. Śankara's *Vivekacūḍāmani*, p.38.

2. Śankara's *Commentary on the Kāṭha Upaniṣad*, 1. 3. 14.

3. Cenker, William, pp.30-31.

می‌کنم...»^۱ او گورو را به عنوان خداوند این گونه ستایش می‌کند: «شری دکشینا معلم جوانم را می‌ستایم، که به واسطهٔ آموزش آرام از حقیقت برهمن پرده بر می‌دارد، استاد اعظم، معلم خاموشی که به منزلهٔ مولدی برای معرفت نفس به کار می‌رود را می‌ستایم»^۲.

شنکره و مکتب ودانته این باور همگانی آیین هندو که مدت‌ها پیش از سدهٔ ۸ به استاد مقامی به طور کامل الوهی بخشیده است را اخذ کرده‌اند. وی در سنت هندویی نه تنها در مقام گورو بلکه به عنوان شارح و مفسر ودانته تکریم شده است. او از خود میراث سلسله نسب مقدسی را که به عنوان گورو در رأس آن بود به ارث گذاشت. سنتی که شنکره در آن تحول ایجاد کرده است پیش از هر چیز به او به عنوان گورو و همواره به عنوان گوروی الوهی یعنی تجسم شیوا نگاه می‌کند. استاد پر آوازه‌ای بود که به گواه سخنانش خود را آموزگار و مفسر متون مقدس به ویژه *اوپنیشدها* و ودانته می‌دانست. به تربیت و پیشرفت روحانی مریدان توجه وافری نشان می‌داد و خود را مسئول آنان می‌دانست. ضرورت تعلیم دادن در نوشته‌ها و افسانه‌های زندگی او مثال زده شده است. معلم خانه به دوشی بود که سرتاسر هند سفر می‌کرد و با دوست و مخالف بحث و گفت‌وگو می‌کرد. مریدان زیادی مسحور سخنان او می‌شدند و بیشتر از نوشتن به تعلیم و تربیت همین مریدان مشغول بود. حکایت‌هایی در موضوع کرامت و قدرت روحانی او به جا مانده است که آن‌ها نیز در جذب مریدان او مؤثر بود و رابطهٔ میان او و شاگردانش را مستحکم می‌کرد. اما به هر حال آن‌ها منشأ شناخت و تهذیب نفس نبودند. در منازعات و گفتگوها مفهوم متون *اوپنیشدی* را که معتقد بود نیروی گریز ناپذیر جهل را از میان می‌برد، مطرح می‌کرد. معرفت نفس و گورو را در جانب یکدیگر مطرح می‌کرد.^۳

مرجعیت الهی و معنوی گوروها

سلسله اسناد گوروها و مرجعیت آن‌ها به ریشی‌ها در دوران ودهیی باز می‌گردد. اینان سلسله‌ای از حکیمان ژرف‌اندیش دوران کهن آریایی بودند که مفاهیم دشوار ودهها را از

1. Cenker, William, p.45; *Śridakṣināmurtistotra Upaniṣad*, 2.

2. *Śankara's Commentary on the Bhagavadgita*, 13. 33.

3. Cenker, William, p.45.

طریق مکاشفه دریافت می‌کردند و سینه به سینه به نسل‌های بعدی منتقل می‌شد.^۱ در پورانه‌ها مجموعهٔ دیگری از ادبیات هندو شجره‌نامهٔ خدایان و ریشی‌ها در جانب یکسری موضوعات دیگر منعکس شده است و هجده پورانه هر یک به نام یکی از گوروها و خدایان است.^۲ بنابراین ریشی‌ها، عارفان یا غیب‌بینان شهودی سرودهای وده‌یی هستند که از طبقهٔ برهمنان بودند و در وده‌ها، اوپنیشده‌ها، متون حماسی و پورانه‌ها پسران برهما و زاییدهٔ ذهن و اندیشهٔ او به شمار می‌آمدند که تعداد آن‌ها در متون، مختلف ثبت شده است، در برخی منابع ۵، ۷، ۸ و ۹ تا. به هر روی، مرجعیت گوروها به دلیل آن‌که فرزند برهما هستند، تأیید می‌شود و الوهیت آن‌ها بی‌چون و چرا می‌ماند. آن‌ها را حکیمان اهل زهد و ریاضت و برخوردار از قدرت روحانی می‌دانستند و اظهار کرامت که یکی از نشانه‌های ولی به شمار می‌رفت را به آن‌ها نسبت می‌دادند.^۳ نقش ولایی گورو در تولد معنوی مرید به واسطهٔ برکت یا نیروی روحانی است که گورو به واسطهٔ سلسله نسب‌های خود از برهما دریافت داشته است. به نظر می‌رسد معادل مفهوم برکت روحانی یا ولایت در عرفان هندویی اصطلاح گورو-شکتی است که نیروی معنوی موجود در سم‌پردایه^۴ (سنت یا طریقت و سلسلهٔ معلم و شاگرد) که از طریق آیین تشریف^۵ از گورو به مرید به ارث می‌رسد.^۶ البته اصطلاح پراساده^۷ به معنی تبرک یافتن، فیض و لطف الهی، لطف گورو و تزکیهٔ نفس و نیز واژهٔ انوگرهه^۸ به معنای لطف الهی دیده شد.

در اغلب طریقه‌های هندویی بخصوص سنت شیوایی، گورو تجسد سنت و واسطهٔ فیض و لطف الهی است. در واقع سنت با سلسله مراتب و در طی نسل‌ها از منبع الوهی به گورو می‌رسد و او است که به سنت جان می‌بخشد. در سنت شیوایی سلسله نسب

۱. شایگان، داریوش، *ادیان و مکتبهای فلسفی هند*، تهران، ۱۳۸۳ش، ج ۱، ص ۹۱؛ *گزیدهٔ سرودهای ریگ ودا*،

ترجمهٔ محمد رضا جلالی نائینی، به کوشش تاراچند، تهران، مندله ۱۰، سرود ۷۱، ۱۳۸۵ش.

۲. شایگان، داریوش، صص ۲۷۷-۲۷۸.

3. "Guru", *The Oxford Dictionary of World Religions*, John Bowker (ed.), New York, 1997, p.825. Skt. dhama, Pāli dhama

4. sampradāya

5. Dikśā

6. Bhattacharyya, Narendra Nath, Ibid.

7. Prasāda

8. Anugraha

گوروها^۱ بیانگر قدرت و نیروی شیوا است و به دلیل آن که شاگرد را از طریق آیین تشریف و قدرت دادن به منتره به رهایی و نجات می‌رساند با شیوا یکی دانسته شده است. حقیقت متعالی، رها شدن و ساختار ذو مراتب کیهان را برای مرید آشکار می‌کند. متون مقدس و اصول و شعایر دین را به او یاد می‌دهد. یکی از متون مقدس شیوایی کشمیری بیان می‌کند که از دهان خدای متعال وحی شده است که از طریق مجموعه‌ای از واسطه‌ها یعنی خدای پَرشَه^۲ به خدایان منتقل می‌شود و به همین ترتیب پسر او که به نوبت تعالیم را به چهار پسر برهما می‌رساند آن را به دنیا می‌آورد. الهیات شیوایی کشمیری سلسله نسب گوروها را به چهار شخصیت اسطوره‌ای کِهَگَنَدَر، کورمه، مِشه، و مَکَهَنَدَه و از آنجا به خود شیوا می‌رسد.^۳ در واقع سنت با نظام مراتبی و در طی نسل‌ها از منبع الوهی به گورو می‌رسد. اما سلسله نسب گوروها هر چند که آن‌ها را بیشتر اساطیری می‌دانند ولی به هر حال تعداد آن‌ها را هشت تا ذکر می‌کنند که از خود وده‌ها و خداوند آغاز می‌شود و به شکل سلسله مراتب تداوم می‌یابد و فیض برهما به واسطه آن‌ها و با معادل‌های مختلف ریشی، سنیا سین، حکیم و... جاری می‌شود و به سایر موجودات می‌رسد.

جایگاه، اهمیت و ضرورت گورو در سلوک معنوی

گورو به دلیل نقش محوری خود در طریقت رهبانی هندویی از اهمیت والایی برخوردار است. موضوع راهنمای معنوی که مبتنی بر باورهای عرفانی است از مؤلفه‌های اصلی طریقت به شمار می‌آید. شنکره خطیب برجسته ودانته در تفسیر خود بر برهما سوتره می‌نویسد، کتاب مقدس به منزله تنها منبع شناخت و سایر گوروها و معلمان ودانته در تفاسیر خود نقش غیر عادی بودن عقل را در شناخت حقیقت مطرح کرده‌اند. به اعتقاد او کوشش مرید هر چند پی‌گیر و مصرانه باشد اگر بدون نظارت و حمایت پیری کامل صورت بگیرد بی‌ثمر و ابتر می‌ماند. تنها گورو است که توانایی بیدار کردن و بازگرداندن روح به شاگرد و نجات وی از سرگردان بودن روحش را دارد.^۴

1. Santāna, Santati

2. Pareśa

3. *The Hindu World*, Sushil Mittal & et. al. (eds), New York, 2007, pp.120-123.

4. *Introduction to Indian Mysticism*, Sadhu Santi Deava (ed.), India, 2000, p.27.

در *اوپنیشدها* گورو منشأ حیات نوین معنوی است. در *تیتیریه اوپنیشدها* که با موضوع تعلیم و تربیت شاگرد آغاز شده است و بیش از سایر *اوپنیشدها* به این موضوع پرداخته است، گوروی واقعی کسی است که سنت را به مریدان خود آموزش می‌دهد، رابطهٔ گورو - مرید را تداوم می‌بخشد و سنت جانشینی گورو را حفظ می‌کند.^۱ شخصیتی معنوی از معلم نشان می‌دهد که از خود آگاهی بالاتر شاگرد پرده بر می‌دارد و با وادار کردن وی به شناخت خود (آتمن) نور معرفت را در درون او فروزان می‌کند. به جز گورو کسی نمی‌تواند که بند زنجیرهای مایا را از سالک مرید بگسلد به همین دلیل او حقیقت ایشوره است.

به اعتقاد او معرفت تنها با تلاش طولانی و سخت و از طریق معلم و اعتماد به او قابل دستیابی و حصول است. شنکره می‌گوید برای شناخت و تبیین کتاب مقدس که بخواهد به شناخت رهایی‌بخش بینجامد به مربی معنوی نیاز است و *اوپنیشدها* که تعلیم و آموزش گوروها و معلمان است عامل اصلی فهم کتاب مقدس به شمار می‌آید. شناختی که از طریق مرجعیت سنت به دست می‌آید بنا به توصیهٔ *اوپنیشدها* از جانب سلسلهٔ گوروها که میراث خویش را به واسطهٔ تعلیم دادن به شاگردان بر جای می‌گذاشتند، تداوم یافته است و این سخن را می‌آورد که دنبال کردن حکمت از گورو و معلم مستقل و جدا نیست. به همین دلایل است که از جایگاه و اهمیت والایی برخوردار است. مربی معنوی نور راه و گنجینه‌ای از حکمت است.^۲ در *اوپنیشدها* جایگاه برجستهٔ معلم به خاطر برتر بودن شناخت و تجربه‌اش است. اما شنکره دو دلیل برای وابسته بودن به گورو ذکر کرده است: نخست این که عقل در مکتبش بیشتر جلوه‌نمایی می‌کند، دیگر این که دانش معلم برتر است. او برای تحول و پیشرفت بشر سه عامل برشمرده است که همه به دلیل لطف خداوند است بدین قرار تولد انسان، تمایل به رهایی و پشتیبانی و حمایت از حکیم کامل و معلم که هم‌چون خود کتاب مقدس واجب می‌شود. شنکره از قبل اعتقاد به نیاز برای گورو را منعکس کرده است و این اعتقاد برای ۱۲۰۰ سال به شکل موروثی در سلک پیروان مکتب ودانته پا برجا بوده است.^۳

شنکره با پذیرفتن این اصل *اوپنیشدی* که کسی که غرق در برهمن و در او ساکن

1. *Taittirīya Upanishad*, 1. 3. 1., 1. 4. 3.

2. *Śankara's Upadeśasāhasri*, 1. 3; 1. 6.

3. Cenker, William, pp.33- 34.

است گورو و معلم واقعی است، تأکید می‌کند که تعلیم کتاب مقدس سلسله نسب و طریق خاص شناخت را تبعیت می‌کند. مهم‌ترین سهم این که پیشرفتی را آن سوی اندیشه‌ی اوپنیشدی درباره‌ی ماهیت گورو شکل می‌دهد یکی دانستن مربی و کتاب مقدس است. او هر جا که به کتاب مقدس اشاره می‌کند به طور اجتناب‌ناپذیر از معلم یاد می‌کند. او در گیتابهاشیه می‌نویسد: «خود درونی آن‌جا که با تعالیم کتاب مقدس و معلم تقویت شده باشد، به چشم می‌آید».^۱ در تفاسیر بر اوپنیشدها پیوسته دو چیز را به هم پیوند می‌دهد، توجه به این که ذهن توسط گورو و کتاب مقدس تهذیب و تزکیه می‌شود و آن‌ها که تنها به گورو و کتاب مقدس تاسی جسته‌اند از جهل گذر کرده‌اند.^۲ کتاب مقدس و گورو هر دو برای شنکره به عنوان علت فردی عمل می‌کنند. معلم در ودانته به سبب اتحاد ژرفی که با کتاب مقدس دارد از سایر معلمان متمایز شده است، و به عنوان معلم معنوی مطرح شده است. گورو و کتاب مقدس پیوند وثیقی دارند زیرا اولی مشتمل بر دومی و دومی بیانگر اولی است. گورو به دلیل این که در کتاب مقدس غرق است در برهمن جای دارد، و به کتاب مقدس علم دارد زیرا در برهمن ساکن است.^۳

در آیین هندو مرجعیتی بالاتر از کسی که به شناخت برهمن دست یافته است، وجود ندارد که در سنت‌های عرفانی هندویی این اقتدار از آن گورو است که به شناخت برهمن نائل شده است. در سراسر ادبیات سمربیتی که شامل *ایتی هاسا*،^۴ *پورانها* و *دهر مه شاستره*^۵ سه‌گونه از ادبیات دینی یا متون غیر وحیانی هندو از ضروری بودن گورو و دست ارادت دادن به او در ارشاد و تربیت مرید سخن رفته و مقام گورو با مقام خداوند تطبیق شده است. اندیشه‌ی مفهوم گورو و ضروری بودن وی بیش از همه (هرچند در *ودهها* اشاراتی در این موضوع به چشم می‌خورد) در متون اوپنیشدی ظاهر شد. ادبیات منو سمربیتی نیز به گونه‌ای دیگر موضوع واجب و ضروری بودن گورو را انعکاس می‌دهد؛ کتاب *ششم منو* به طور کامل به شرح قواعد زندگی زاهدان اختصاص یافته است و در آن برای سالکی که بخواهد آشرمه‌ها یا به معنای عام‌تر آن «دوره‌های مختلف حیات دینی» را پشت سر بگذارد

1. Śankara's Commentary on Bhagavad Gita, 2. 21; 8. 8; 16. 1; 18. 55.

2. Śankara's Commentary on Katha Upaniṣad, 2. 1. 2.

3. Cenker, William, pp.33- 34.

4. *Itihāsā*

5. *Dharma Śāstra*

احتیاج به معلم را ضروری می‌داند و از شاگردی که از این وادی‌ها به سلامت عبور کند با عنوان شخصی که «حیات و تولد دوباره یافته است» یاد می‌کند.^۱

شنکره، بنیان‌گذار مشهورترین طریقهٔ رهبانی هندویی که از او پیشداشته‌ها تبعیت تمام عیار می‌کند و بدنها تأسی می‌کند، معتقد است حتی اگر سالک دینی به متون مقدس آشنایی کامل داشته باشد و آن‌ها را بداند، واجب است برای پرورش ذهن و روح و نیل به درجات بالای روحانی هم‌نشین استاد شود و با او ارتباط نزدیکی داشته باشد و برای گذر از جهل جبری بایستی متون مقدس و معلم را به مثابهٔ دو علت منسجم رویاروی یکدیگر قرار دهد. به دلیل ظریف بودن هدف شناخت که برهن است و به دلیل دشواری طریق ضرورت شاگردی گورو جلوه می‌نماید. شنکره به وضوح از پناه بردن به معلم به عنوان کسی که از خودشناسی چشم پوشیده است و جست‌وجوی درونی خود واقعی را شروع کرده است، سخن گفته است. او در آثار خود بخصوص در ودانتیه سوتره بهاشیه دربارهٔ لزوم گورو در تربیت سالک طریق نجات، بسیار سخن گفته است و صومعه‌ها و قواعدی که برای آن‌ها وضع کرده بود، و تعداد زیاد مریدانی که در صومعه‌های او آمد و رفت داشتند اهمیت این لزوم را می‌رساند. قواعد صومعه‌های شنکره در واقع عرفان عملی طریقت وی بودند که در دو شکل مقدماتی و پیشرفته برای سالک مرید وضع شده بودند و بایستی همهٔ آن‌ها را برای تخلیهٔ روح و کشتن نفس به منظور نیل به شهود حق از سر بگذرانند. در نظر او رهایی و مکشه درک یکی بودن یا این همانی آتمن (خود حقیقی انسان) و برهن و معادل سنسکریت آن «تت توام اسی»^۲ است. به سخن دیگر وی مکشه را فهم بی‌واسطه از حقیقت می‌داند.^۳

مطالعهٔ آثار شنکره حکایت از آن دارد که وی برای مکشه یا رهایی دو سطح و مرتبه قائل بود: یکی معرفت متعارف یا آپراویدیه که با مراقبه بر برهن سگونه یا برهن موصوف به صفات حاصل می‌شود که آن را رهایی تدریجی می‌داند. قسم دیگر مکشه یا معرفت متعالی یا پراویدیه و با مراقبه بر برهن نیرگونه یا برهن منزله از صفات و درک و فهم وحدت و همانی آتمن و برهن حاصل می‌شود که همان رهایی حقیقی و غایی است

1. "The Laws of Manu", ii. 144- 185, pp.56- 63.

2. Tat twam asi

۳. محمودی، ابوالفضل، صص ۱۰۳، ۳۶۳-۳۶۵، ۳۹۲-۳۹۳.

و البته نائل شدن به مکشه در اندیشه شنکره به هدایت و ارشاد راهنمای معنوی که اوپایه‌ها و مراتب را در نور دیده است و به آفات و خطرهای آن آگاه و باخبر است، میسر می‌شود و سالک بدون یاری وی و با مطالعه شخصی راه به جایی نمی‌برد. او در توصیف گورو این‌گونه می‌گوید: حکیم آرامی است که نخست به شناخت و معرفت برهمن و درک مفهوم این همانی آتمن و برهمن نائل شده است و در مرتبه دوم زهد زیادی ورزیده است.^۱

صفات و ویژگی‌های گورو

منابع کهن هندویی و بخصوص آثار شنکره، شرحی از ویژگی‌های گورو و نیز آداب و ملاحظاتی که گورو در رابطه با مریدانش ملزم به رعایت آنهاست، به دست داده‌اند. در این آثار گوروی کامل استاد اصلی است که به شناخت برهمن دست یافته است. به مفهوم زندگی شناخت ویژه‌ای دارد. به زندگی دینی و به سنت ودها پایبند است. از خواسته‌ها و لذت‌های نفسانی و دلبستگی‌های دنیوی که هر یک در پی در دام انداختن او هستند، فارغ است. از خطاها و لغزش‌هایی هم چون انانیت و غرور، پستی و دورویی و حسد به دور است، با نور عقل و خرد از همه گناهان دست شسته است. به رهایی یا به جیون موکتی رسیده و از سر رأفت و رحمت، معرفت معنوی و روحانی را با شاگردان سهیم می‌کند. به هیچ روی به مال و جاه مرید چشم ندارد. در همه حال با کلام نیکو و دلنشین با مریدان خود سخن می‌گوید.

شنکره برای معلمی که تعلیم می‌دهد صفت بلند همت، بخشنده و خیرخواه را به کار می‌برد که گنجینه‌ای از لطف است.^۲ در گیتا بهائشیه آموزش دادن، انتقال عشق و محبت، لطف و تشرف به عنوان سه وظیفه گورو آمده است که با درجات گوناگون در هر گورو به چشم می‌خورد.^۳ بالاترین درجه زکاوت عقلی را داشته باشد تا بتواند جهل و نا آگاهی مرید را از بین ببرد و تعلیم دادن حکمت رهایی‌بخش به او را وظیفه خود بداند. با نور عقل و خرد از همه گناهان دست شسته و سایه سنگین آنها را از هم پاشیده است.^۴ با قلبی به

1. Cenkner, William, p.30.

2. Cenkner, William, pp.38, 42.

3. Śāṅkarācārya, *Commentary on Bhavaḡadgita* (C. B. G.), xiii. 33.

4. Cenkner, William, p.36.

سختی الماس با هجوم آن‌ها مقابله می‌کند.^۱ علت‌های جهل را که عبارت از گناه گذشته و حال، بی‌بند و باری، تکریم عمومی، تملق و خودبینی و عدم دانش ثابت و استواری که فرق خود و ناخود را شکل می‌دهد از سر راه مرید بردارد. شنکره که به گفتهٔ خودش سخنان و تعالیمش ریشه در وده‌ها و اوپنیشدها دارد از میان بردن جهل را نیز به واسطهٔ کتاب مقدس و بخصوص درک سخنان بی‌نظیر (مهاواکیه‌ها)^۲/ اوپنیشدها می‌داند.^۳

شنکره که به ویژگی‌های الوهی برای گورو باور داشت، می‌گوید گورویی که در برهمن پناه و منزل گزیده است نه تنها ملکوتی بلکه هم‌سو با خداوند است. در مجموعه اشعار و سرودهای شنکره بخصوص سرود دکشینا مورتی استوتره^۴ بزرگ که در ستایش ویژگی‌های الوهی استادان معنوی سروده شده است صفات گورو را به قرار زیر اعلام می‌کند: در سه مرحلهٔ خواب، بیداری، و رؤیا تهذیب نفس و خودسازی و خود حقیقی خود را برای شاگرد آشکار کند، مرید خود را مستقیم با متن وده به اشراق برساند، توهم و مایا را از بین ببرد، همهٔ عالم را به عنوان جلوهٔ خود مطلق درک کند.^۵ با همهٔ عالم خود را یکی و پیوند بزند. گورو در سرودهای توحیدی شنکره هم مرتبهٔ خدایی و هم مرتبهٔ بشری دارد. شنکره به سبب آن‌که به سنت‌های توحیدی هندو تأسی می‌کند فعل گورو را به عنوان فعل خداوند درک می‌کند.^۶ برهمن را به عنوان شاه معلمان خطاب می‌کند. ودانته این اندیشهٔ اوپنیشدی را که گوروی واقعی برهمن را شناخته است در پیش گرفته و از حقیقت او پرده برداشته است.^۷

آداب و شرایط مرید

شیشیه^۸ در زبان سنسکریت به معنای کسی که تربیت و آموزش دیده است^۱ برای بیان

1. Dubois, Abbe J. A, pp.124-125.

2. Mahāvākya-s

3. Cenker, William, p.35.

4. Śrīdakṣīnāmurti Stotra

5. Śankara's Śrī Dakṣīnāmurtistotra Upaniṣad, 5. 1. 10.

6. Date, V. H, *Vedanta Explained: Śankara's Commentary on the Brahma sutras*, Bombay, 1959, vol.2, p.iii; Gonda, Jan, *Die Religion Indians*, Stuttgart, 1960, vol.2, pp.240-241.

7. Cenker, William, p. 43.

8. Śisya

مفهوم مرید و شاگرد به کار برده می‌شود و اصطلاح برهمه‌چریه مفهوم ودهیی اولیه آن و تسلیم برهمن بودن است. در /وپنیشدها واژه آوکیرنا^۲ برای اشاره به شاگرد به کار رفته است.^۳ شنکره اغلب برای شاگرد مفهوم مقدس را به کار می‌برد. او تنها مرید توانمند را شایسته دریافت حکمت مقدس می‌داند و بر آن است برای دریافت این حکمت لازم است صفات ویژه‌ای داشته باشد. وی در مقدمه‌اش بر کتبه /وپنیشده می‌نویسد: «این بندها خودشان برای اشخاص خاصی اراده شده‌اند (که توانایی خودشناسی دارند) و اهمیت موضوعی خاص، هدف خاص و پیوند خاصی دارد...»^۴ شنکره در تقابل با بادریانه که شوره‌ها را طرد می‌کرد، آن‌ها و حتی غیر آریایی‌ها را به شاگردی می‌پذیرفت و در این خصوص آزاداندیشی /وپنیشدهای اولیه را انتخاب کرد که شوره‌ها را نیز به حساب آورد. به اعتقاد او آن‌ها نیاز و قابلیت شناخت متون مقدس را دارند و دوره شاگردی را برای طیف وسیعی از طالبان سلوک باز می‌گذاشت. به هر حال، سعه صدر شنکره محدودیت‌های خودش را دارد، به دلیل آن که هر چند او شوره‌ها را برای دوره شاگردی پذیرفته بود اما متهم‌ها را برای زنان باز نگذاشته بود و اجازه ورود به آن‌ها را نداشتند. در واقع به نظر می‌رسد او زنان را به مهارت در امور داخلی محدود کرده بود. که این در تقابل شدید با زهدگرایی بودایی که زنان از زمان بودا اجازه ورود به حیات رهبانی را داشتند، قرار گرفته است. به علاوه آشکارا با سنت ودهیی اولیه که دست کم در زمره غیب بینان باستان رد پای بیست‌وشش زن را شناسایی کرده است، مغایرت دارد.^۵ آنچه در این سفر معنوی، بر مرید صادق واجب است، آن است که بی هیچ پرسشی در متابعت پیر خود باشد، و همه اراده، دانش و هوای خویش را به یک سو نهد؛ در حضور و غیبت او را حاضر بداند و حرمت او را نگه دارد؛ هر آنچه دستور می‌دهد حتی اگر خلاف باشد انجام دهد و اعتراضی نکند و در اجرای دستورهای وی به جان بکوشد و هرگز در انکار او در دل یا بر زبان سخنی نراند و بدون اذن و اجازه او عملی انجام ندهد.

1. "Guru", *The Brill Dictionary of Religion*, Kocku Von Stuckrad (ed.), Boston, 2006, vol.2, p.826.

2. Avakirna

3. Cenker, William, p.47.

4. *Śāṅkara's Commentary on the Katha Upaniṣād, Introduction*.

5. Cenker, William, pp.38- 41.

آیین تشرّف

مراسم تشرّف یکی دیگر از آداب و شرایط مرید است. تشرّف و پذیرش مرید به جرگهٔ راهبان به دست مربی و بعد از آن که فرد دورهٔ آموزشی یکساله را سپری می‌کند، صورت می‌گیرد.^۱ اصطلاح سنسکریت دیکشا به معنی تشرّف یافتن و ورود به طریقت، و معادل با واژهٔ ورته^۲ به معنی متعهد شدن به کار می‌رود. شاگرد با ورود رسمی به طریقت باید اصول و آداب طریقت را رعایت کند و آرام آرام وده‌ها را یاد بگیرد. پس از مراسم تشرّف تولد دوبارهٔ سالک که آغاز زندگی معنوی وی است، آغاز می‌شود. مراسم اوپنینه یا بستن ریسمان مقدس که از آداب و اصول تشرّف به دین هندویی است، برای او انجام می‌شود، و پس از آن باید دورهٔ آموزشی چند ساله را در منزل استاد خود به خدمت مشغول باشد.^۳ سپس مربی اسم جدیدی را برای او انتخاب می‌کند که نماد پایان یافتن یک مرحله و ورود به مرحلهٔ جدید بود.^۴ برخی سنت‌ها احکام سختی برای تشرّف دارند مانند تراشیدن موی سر و گذاشتن نشانه و علامت بر سر. در برگزاری آیین تشرّف روال کار این‌گونه است که نخست موی سر او را می‌تراشند و لباس‌هایش را عوض می‌کنند و مربی منتره یا ذکر یا خاصی به او می‌دهد. چیزهایی که مرید دریافت می‌کند در فرقه‌های مختلف فرق می‌کند از قبیل خرّقه، یک تکه چوب به عنوان عصا، کاسهٔ گدایی، تسبیح، ظرف آب، یک جفت صندل، چُپُتی، و ریسمان مقدس و حتی در برخی فرقه‌ها ظرف‌هایی برای طبخ غذا.^۵

در میان سنت‌های عرفانی هندویی، آیین شیوا و ودانته بر اهمیت فزایندهٔ تشرّف برای دست یافتن به رهایی تأکید می‌کنند. تشرّف در واقع نوعی بینش معنوی به فرد می‌دهد که در آن محدودیت جهل فطری از میان می‌رود، جریان لطف یا تجلی میان جیوه محدود و ایشوره نامحدود و به گونه‌ای قداست‌بخشی شاگرد است.^۶ در این سنت‌ها انواع مختلف و

1. Oliville, Patric, "Rites of Passage: Hindu Rites", *Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade (ed.), New York, 1986, vol.11, p.7813; Mani, Vettam, "Dikṣā", p.241.

2. Vrata

3. "The Laws of Manu", II. 69, 174, 173.

4. "Dikṣā", *The Oxford Dictionary of World Religions*, pp.283-284.

5. "Dikṣā", *The Oxford Dictionary of World Religions*, pp.283-284; Olivell, Patric, pp.651.

6. *Hinduism*, Louis Renou (ed.), New York, 1961, pp.175-177.

مراحل گوناگون تشریف وجود دارد بخصوص در سنت تنتره که در تقابل با دین ودهیی به زنان و شوره‌ها نیز اجازه تشریف را می‌داد. بنابراین برای پذیرش افراد قانون ثابتی که مورد استناد تمام طریقت‌ها باشد، وجود نداشته است. بلکه هر سنتی با توجه به شرایط محلی، گرایشات گوروی آن و نیز متناسب با احوال مبتدیان قواعدی برای تشریف داشته است. بنابراین رفته‌رفته تشریف مریدان مبتدی به دست گورو نه تنها به معنی ورود آنان به سلک راهبان تلقی می‌شود بلکه به معنی پیوستن آنان به طریقه‌ای خاص نیز به شمار می‌رفت، این‌گونه صداقت و وفاداری مریدان به گورو و هدایت آنان پیوندی دو سویه را میان مرید و گورو به وجود می‌آورد.

تحولات و کارکردهای متأخر گوروها

در دوران متأخر گونه جدیدی از گوروها ظاهر شدند که مدعی بودند اگر نه تجسد خداوند که نمایندگان او هستند. هم‌زمان با آغاز سده بیستم به این سو مفهوم گورو دستخوش تغییرات چندی شده است. کارکرد گوروها که اغلب محدود به قلمرو معنوی بود تغییر مسیر داد در حوزه‌های سیاسی و اجتماعی فعال شدند و در جنبش‌ها و اهداف ملی هندو سهیم شدند به جهانی شدن تمایل داشتند.^۱ از این رو، بر خلاف گوروهای اولیه که به طور معمول در گزینش شاگردان معیار دقیق شایستگی و صلاحیت را اعمال می‌کردند تعصب کمتری به خرج می‌دادند و اغلب اجازه می‌دادند هر کسی صرفنظر از طبقه یا کاست و جنسیت یا ملیت خود به طریقه ایشان وارد شود و شاگردانی از همه طریقه‌ها جذب می‌کردند. اغلب آن‌ها به غرب و بخصوص آمریکا سفر می‌کردند و تبلیغات گسترده‌ای انجام می‌دادند تا مریدانی بیرون از هند پرورش و حوزه تعالیم خویش را توسعه بدهند. بین‌المللی کردن رسالت گوروها و طرفداری از گوروهای هندویی از تحولات دیگر دوره متأخر است. محبوبیت تعدادی از گوروهای هندویی از قبیل رامه کرشنه پرمهمسه، ارویندوگاس، سوآمی موکتاننده، کرشنه مورتی، ستیه سای بابا و... سبب رشد و پیشرفت آشرمه‌ها و مراکزی در کشورهای بسیاری بیرون از هند شده است. روی کار آمدن و ظهور گوروهای زن از تحولات دیگر سده بیستم است. در حالی که در گذشته تا آغاز قرن بیستم

1. Cornille, Catherine, Ibid.

زنان اجازه پذیرفتن مرجعیت معنوی را نداشتند. در دوران متأخر سنت آموزشی شنکره بیش از هر سنت دیگر احیاء شد و اغلب گوروها شیوایی و پیرو مکتب ادویته ودانته شنکره بودند. شیوایی‌ها و طرفداران سنت شنکره نخستین معلمان معنوی نیز بودند.^۱

منابع

- اوپانیشاده‌ها، ترجمه محمد دارا شکوه، به کوشش تاراچند و دیگران، ج ۲، تهران، علمی، ۱۳۸۱ش.
- داسگوپتا، سورندراناته، سیر تحول عرفان هندی، ترجمه ابوالفضل محمودی، تهران، سمت، ۱۳۹۴ش.
- شایگان، داریوش، آیین هندو و عرفان اسلامی، ترجمه جمشید ارجمند، تهران، فرزانه، ۱۳۸۲ش.
- عدلی، محمدرضا، صوفیان و بوداییان سیری در تصوف اسلامی و رهبانیت بودایی، تهران، هرمس، ۱۳۹۳ش.
- گزیده ریگ ودا قدیمی‌ترین سرودهای آریایی هند، به کوشش و ترجمه محمدرضا جلالی نائینی، تهران، نقره، ۱۳۶۷ش.
- محمودی، ابوالفضل، مشرق در دو افق، مقدمه‌ای بر مطالعه مقایسه‌ای عرفان اسلامی و هندویی (ابن عربی، شنکره، رامانوجیه)، قم، ادیان، ۱۳۹۲ش.
- Abbot, J, *Indian Ritual and Belief: The Keys of Power*, New Delhi, Manohar & Distributor, 2000.
- Bhattacharyya, Narendra Nath, "Guru" *A Glossary of Indian Religious Terms and Concept*, Delhi: Manohar & Distributors, 1990.
- Cenkner, William, *A Tradition of Teachers: Śankara and Jagadgurus Today*, Delhi: Motilal Banarsidas, 1983.
- Cornille, Catherine, "Guru", *Encyclopedia of Religion*, Lindsay Jones (ed.), vol.6, New York, Macmillan, 1954.
- Dasgupta, Surendranath, *A History of Indian Philosophy*, vol.2, 3, Cambridge, Cambridge University, 1922.
- Date, V. H, *Vedanta Explained: Sankara's Commentary on the Brahma – Sutras*, vol.2, Bombay, Booksellers, 1959.
- "Dikṣā", *The Oxford Dictionary of World Religions*, John Bowker (ed.), Oxford New York, Oxford University, 1997.
- Dubois, Abbe J. A, *Hindu Manners, Customs and Ceremonies*, Henry K. Beachamp (trans.), Oxford, Glarendon, 1897.
- Ibid, "Guru", *The Hindus Encyclopedia of Hinduism*, Subodh Kapoor (ed.), vol.5, Delhi, Cosmo, 2000.
- *Eights Upanishad, With the Commentary of Śankaraācārya*, Swami Gambhirananda(trans.), India, Kolkata, Advaita Asrama Publication Department, 1958.
- Geaves, Ron, "Guru", *Key Words in Hinduism*, British, Continuum, 2006.

1. Cornille, Catherine, Ibid.

- Geden, A. S, "Asceticism (Hindu)", *Encyclopedia of Religion and Ethics*, James Hastings (ed.), vol.2, New York, T. & T. Clark Ltd, 1980.
- Ibid, "Monasticism (Hindu)", *Encyclopedia of Religion and Ethics*, James Hastings (ed.), vol.8, New York, T. & T. Clark Ltd, 1980.
- "Guru", *A Dictionary of Hinduism*, W. j. Johnson(ed.), Oxford, Oxford University, 2010.
- "Guru", *The Oxford Dictionary of World Religions*, John Bowker(ed.), Oxford, Oxford University, 1997.
- "Guru", *Encyclopedia of World Religions Encyclopedia of Hinduism*, Constance A. Jones & et. al. (eds), New York, Infobase, 2008.
- "Guru", *Historical Dictionary of Hinduism*, Jeffery D. Long (ed.), Toronto, Scarecrow, 2011.
- *Hinduism*, Louis Renou (ed.), New York, George Braziller, 1961.
- *Introduction to Indian Mysticism*, Sadhu Santideva (ed.), India, Cosmo, 2000.
- Kantikara, V. P, *Hinduism*, Delhi, Motilal Banarsidass, 1995.
- "The Laws of Manu", George Bühler(trans.), *The Sacred Books of The East*, Max Muller (ed.), vol.25, Oxford, Clarendon, 1886.
- *The Mahabharata of Krishna – Dwaipayana Vyasa*, Kisari, Mohan Gangu (trans.), Vol. 1, New Delhi, Manoharlal Munshiram Pvt. Ltd, 2002.
- Maharaj, Rabi R, *The Death of a Guru*, United State, Harvest House, 1977.
- Mani, Vettam," Dikṣā", *Puranic Encyclopedia A comprehensive Dictionary to the Epic*, Delhi, Motilal Banarsidass, 1975.
- Miller, David, "The Guru as the Centre of Sacredness", *Studies in Religion / Sciences Religieuses*, no.5, Canada Sage, 1977.
- Ollivelle, Patric, "Rites of Passage: Hindu Rites", *Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade (ed.), vol.11, New York, Macmillan, 1986.
- Patel, Deven. M, "Guru", *Encyclopedia of Hinduism*, Denish Cush & et. al. (eds), London, Routledge, 2008.
- Śankarācārya, *Brahma – Sutra – Bhāṣya Commentary on Vedanta Sutra: Vedanta Sutra Bhāṣya*: V. S. B. Swami Gambhirananda, India, Advaita Asharma, 2000.
- Ibid, *Commentary on Eight Upaniṣads*, Swāmi Gambhirananda(trans.), India, Advaita Ashrama, 2000.
- Ibid, "Commentary on Vedānta Sūtras", George Thibaut (trans.), *The Sacred Books of the East*, F. Max Muller (ed.), vol.34, 38 Delhi, Motilal Banarsidass, 1980.
- Storr, Anthony, *Feet of Clay: A Study of Gurus*, London, Harper Collins, 1997.
- *The Thirteen Principal Upanishads*, Robert Ernest Hume(trans.), Oxford, Oxford University, 1965.
- *Upanishads*, Max Muller (trans.), Revised by Navalakha Words Worth Classics of World Literature, 2000.